

فضیلت‌های «اخلاق فضیلت»

یکی از مهمترین سنجهای داوری بین نظریه‌های رقیب فلسفی و علمی «استنتاج از طریق بهترین تبیین» (by inference) است. این «اخلاقی امور» تبیین، اخلاق زمینه‌ای در فلسفی کار است (abduction) «ربایی فرضیه» یا (best explanation) تبیین ابتدا شامل شرح و توصیفی از «وضعیت اخلاقی» یک فرد یا جامعه است همراه با معیار و سنجهای در باب اینکه «آنچه اخلاقی (moral) است» از «آنچه ضد اخلاقی (amoral) است» و «آنچه ناخلاقی و نامربوط به اخلاق (moral-non) است»، متمایز کند و سپس مکانیسم و شرحی از «خوب زیستن» ارائه دهد. در اینجا است که نظریه‌پردازان اخلاق در تقابل با یکدیگر قرار میگیرند و عمل واحدی را تبیین متفاوت بل متضادی میکنند. نظریه‌های برتری و فضل تقدم دارد که در قیاس با رقبای مسائل را بهتر و بیشتر حل کند و هزینه‌های فلسفی کمتری داشته باشد.

«اخلاق فضیلت» در یونان باستان آغاز و پس از دور [فترت خود در دوره مدرن، در نیمه دوم قرن بیستم با پیشکشیدن «احوال» درونی فاعل در عوض/در کنار نگرستن فعل اودر تبیین «امر اخلاقی» احیا شده و ادعای برتری میکند. به زعم فضیلت‌گرایان فعل اخلاقی هر چند به جهت بیرونی پسندیده باشد، اما این شرط اصلی و معیار محور «خوب دانستن» آن نیست بلکه «حال» / انگیزش / نیت [تعبیر روانشناختی] و به زبان اخلاق، فضیلت یا رذیلتی که در پس و پشت آن فعل (و از منظر ناظر پنهان) است مؤلفه تبیین کنند [«خوب/حسن» بودن آن عمل است. اما مسئله اصلی در اینجا آن است که ربط و نسبت این مفاهیم با هم چگونه است. مفاهیم مهم نظریه‌های رقیب، یعنی «فایده»، «وظیفه» و «فضیلت»، کدامیک دیگری را تبیین میکند و مقدم است. و به تعبیری دیگر کدامیک بر دیگری مبتنی است، کدام اصل است و کدام تکمیلکننده (اگر قائل به مانع‌الجمع بودن کلی این مفاهیم نباشیم).

نظریه‌هایی که به فضیلت‌نگر موسوماند چه برگ برنده‌های در تبیین «امر اخلاقی» در دست دارند تا استنتاج بر مبنای بهترین تبیین به حساب آیند. برتری و فضیلت نخست «اخلاق فضیلت» در همان نکته‌های است که آنسکوم در مقاله مشهور خود، «فلسفه اخلاق جدید» (که در پرونده پیشین اخلاق فضیلت، شماره 128 این مجله، منتشر شد) آورده است: مفاهیم اخلاقی را بج مانند الزام، وظیفه، با د، درستی و نادرستی (مفاهیم اخلاق وظیفه‌گرا و فایده‌گرا)، با متافیزیکی خدامحور گره خورده که اکنون نمیتوان از آن متافیزیک دفاع کرد. جدا از ادعای آنسکوم، بخشی از تلاش فیلسوفان اخلاق معاصر بناکردن اخلاقی فارغ از دین و منهای متافیزیک است (آنچه از منظر برخی آب در هاون کوییدن است و باد در قفس کردن). پیشنهاد جایگزین آنسکوم احیای اخلاق فضیلت‌نگر ارسطویی است.

فضیلت و رجحان دیگری که مایکل استاگر در 1976 در مقاله‌های با عنوان «اسکیزوفرنی نظریات اخلاقی جدید» (ترجمه‌شده در همین شماره) به آن اشاره دارد این است که نظریه‌های اخلاقی جدید (فایده‌گرا و وظیفه‌گرا) «متضمن شکافی است میان انگیزه‌های یک شخص و ادای آن شخص»، شکافی که استاگر «اسکیزوفرنی اخلاقی» میخواند و مدعی است در اخلاق فضیلت وجود ندارد. وی در مقاله مهم بعدی خود، «علاج اسکیزوفرنی نظریه‌های اخلاقی»، درمان این مشکل را در اخلاق فضیلت و توجه به عواطف میداند.

اما مهمترین فضل اخلاق فضیلت توجه به «حیات اخلاقی» بهنحو جامع و تام و تمام است. حیات اخلاقی علاوه بر «عمل» اخلاقی امور بسیاری را دربر میگیرد که جزو احوال درونی عامل و ساحت‌های «شخص» (با گوناگونیهایی که دارد و نه فقط «اراد» نیک» کانت) است. از باورها گرفته تا امیال، انگیزه‌ها، سائقه‌ها، اراده، احساسات و عواطف و... همگی میتوانند متصف به اخلاق/غیر اخلاقی شوند و ادعا این است که مفهوم جامع آنها «فضیلت» است. برخی انواع فضیلت از سنخ باور و برخی از سنخ خواست و اراده و برخی از جنس احساس و عواطفاند و همه اینها گاه ممکن است در عمل بیرونی خود را آفتابی کند (و ممکن است نکند).

در این مقال مختصر بر آن نیستیم تا «رذیلت»های «اخلاق فضیلت» را به شرح و بسط برشمریم که این مجال مفصل میطلبد اما منتقدان اخلاق فضیلت در این سالها به قوت رذیلتی را برشمرده‌اند و همچنان رویکردهای رقیب را ارجح میدانند؛ از جمله اینکه اخلاق فضیلت از دادن هرگونه راهکار عملی عاجز است و معضل کاربست نظریه در عمل را به رخ میکشند، مثلاً دختر پانزده ساله‌ای که مورد تجاوز قرار گرفته و سعی میکند در آنجا بماند، اما سه باره که آسقط جنین بکند، آنکند، تصه هم بگرده، با د از خود ان سؤال را پرسد که «آا اگر سقراط در موقعیت من قرار داشت، مبادرت به سقط جنین کند یا نه؟» آنگاه باید پرسید «سقراط بودن» چگونه چیزی است؟ و اگر قواعد و اصولی عرضه نکنیم با مسئله دور رو بپرویم.

دیگر اینکه، طرفداران اخلاق وظیفه، مثل خود کانت، ممکن است بگویند که، بدون مفهوم وظیفه، مطالبه‌گری و الزام‌آوری

اخلاق تبیین‌کردنی نیست. هم‌اکنون ما احساس می‌کنیم که اخلاق انجام یک سلسله کارها را از ما مطالبه میکند و الزاماً میخواهد و این فقط با مفهوم وظیفه، که در آن الزام و طلب و تقاضای مصرانه‌های هست، سازگار است و تبیین میپذیرد. فضائل مثل آرمانها هستند، یعنی حالتیاند که ما اگر بخواهیم میتوانیم در جهت نیل به آنها کوشش کنیم اما چیزی نیستند که ما باید آنها را در خود محقق سازیم. و دست آخر، و بهگمانم، مهمترین چالش برای فضیلتنگری آن است که اگر مزاجهای روانی و سنخهای شخصیتی افراد را از این جهت متمایز بدانیم که فضایل متفاوت و بلکه متعارضی آنها را اخلاقی میکند، چه چیزی از اخلاق باقی میماند و نسیبگرایی فردی دربار فضیلتها نظریه اخلاق هنجاری را با چه وضعی روبه‌رو میکند. (شبیبه معضلی که در حدیث «خیر خصال النساء» وجود دارد که امامعلیه(ع)، بهترین خصلتهای زنانه را بدترین خصلتهای مردانه میدانند، بنگرید به: «اخلاق جنسیت و حدیث 'خصال النساء'» از سید حسن اسلامی اردکانی، علوم حدیث، ش. 50-49. پاییز و زمستان 1387). یکی از کارهای فیلسوفان فضیلتنگر برشمردن فضیلتها و ردیلتهاست. آنها گاه از فضیلتهایی سخن میگویند که در نگاه اول در فهرست ردایل جای دارد، چنانچه این رند از «فضیلت خودخواهی» نام کتابی از او دم میزند. و دشوارتر آنکه یک فیلسوف در نظام فضایل خود مجموعه‌های نامنسجم و نامتلائم از فضایل را پیش نهاد (چنانچه فیلسوفی وظیفه‌نگر نیز ممکن است در سیاه‌ها وظایفی که پیش مینهد وظیفههایی متزاحم مطرح کند). مسئله آنجا پیچیده‌تر میشود که فیلسوفی همچون نیچه فضیلتهایی متعارض با فضایلهای مرسوم را ارج نهاده و فضیلتهای معهود را در زمره «اخلاق بردگان و توده‌ها» جای مینهد.

این دفتر مجموعاً سومی است که در این مجله در موضوع اخلاق فضیلت منتشر میشود و مشتمل است بر مصاحبه‌های با یکی از اندیشمندان و پژوهشگران اخلاق محیط‌زیست در باب رویکرد فضیلتگرایانه به اخلاق زیستمحیطی، مدخل اخلاق فضیلت دانشنامه فلسفه استنفرد، یکی از مقالات کلاسیک این حوزه از مایکل استاگر، مقالاتی از مایکل اسلوت و پیترو کالر و درنهایت معرفی دو کتاب به زبانهای فارسی و انگلیسی در زمینه اخلاق فضیلت. امید که بهزودی دفتر بعدی این موضوع پیش چشم خوانندگان گرامی این مجله قرار گیرد.

منابع

- فلسفه اخلاق جدید، الیزابت آنسکوم، ترجمه یاسر پوراسماعیل، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، شماره 128. // مقدمه
- مصطفی ملکیان بر سیطره خیر، آریس مرداک، ترجمه شیرین طالقانی، نشر شور. // اخلاق فضیلت، هرستهاوس روزالین، ترجمه هاشم قربانی، مجله اطلاعات حکمت و معرفت، همین شماره.
- مهدی اخوان (عضو هیئت علمی گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی)